

## Farsi: Measuring Up

(Preached by Cheryl Williams at Footscray Baptist Church February 23<sup>rd</sup>, 2025 – Luke 6:27-38)

ما هر روز با پیام هایی در مورد اینکه چگونه باید اندازه گیری کنیم مباران می شویم. تبلیغات در تلویزیون، یا روی بیلبردهای بزرگراه ها، در فیدهای رسانه های اجتماعی ما، دائماً به ما گفته می شود که چه نوع ماشینی باید رانندگی کنیم، غذایی که باید بخوریم، یا نباید بخوریم، نوشیدنی هایی که باید بنوشیم تا خنک باشیم، نوع خانهای که باید در آن زندگی کنیم و لباس هایی که باید بپوشیم. بهترین صندوق سرمایه گذاری و بیمه ای که باید داشته باشیم برای به حداکثر رساندن مالی و نرخ بهره باید باشد. باید ادامه بدم این پیام ها به ما می گویند که چگونه باید در جامعه خود اندازه گیری کنیم. اما آیا واقعاً این روشی است که ما باید اندازه گیری کنیم؟ عیسی در بخش دوم پیام واضح خود در دشت به شنوندگان خود، پیروان خود، روشی را که فکر می کند باید اندازه گیری کنند، می گوید. عیسی از پیروان خود می خواهد که دشمنان خود را دوست بدارید - آنها کسانی هستند که شما را دوست ندارند و شما آنها را به همه نیکی کن درود بر کسانی که شما را نفرین می کنند برای کسانی که با شما بد رفتار می کنند دعا کنید اگر آنها به شما ضربه زدند (به صورت استعاری یا فیزیکی)، پس گونه خود را بچرخانید و اجازه دهید بهترین ضربه خود را بزنند. اگر کسی نیاز دارد و از او کمک می خواهد - آنچه را که نیاز دارد به او بدهید. حتی اگر کسی کاپشن شما را برد، پیراهن خود را نیز به او بدهید. وقتی چیزی را به کسی قرض دادید، آن را پس نخواهید. دیگران را قضاوت یا محکوم نکنید. و ببخش یک سفارش نسبتاً بلند این در چیزی خلاصه می شود که به «قانون طلایی» معروف شده است و تقریباً در هر دین و فرهنگ مشابهی دارد. نکته ای که باید به آن توجه کرد این است که همه آن با سخاوت مشخص می شود. من می گویم عیسی هم در گفتار و هم در اعمال خود یک چوب اندازه گیری برای ما فراهم می کند. این پیام هم در آن زمان و هم اکنون ضد فرهنگی است. توجه به این نکته بسیار مهم است که عیسی احتیاط می کند - در واقع خوب است که با کسانی که لطف می کنند مهربان باشیم، این چیزی نیست که او درخواست می کند. او از ما می خواهد که این را برای کسانی که نمی خواهند یا نمی توانند سخاوت ما را جبران کنند، تمرین کنیم. این جوهر سخاوت واقعی است این فراخوانی نیست که در خانه باشید، تا اجازه دهید مردم از رفتارهای وحشتناک دور شوند. چرخاندن گونه دیگر در زمان عیسی اقدامی تجاوزکارانه بود، خدمتکاران به عنوان بخشی از یک فرآیند انضباطی سیلی خوردند، چرخاندن گونه دیگر این بود که به ارباب بگوییم «بیا با بهترین گلت به من ضربه بزن»، تقریباً به آنها تمسخر می کردند که حتی بیشتر انجام دهند، که البته باعث شرمساری آنها می شد که متوقف شوند. این شیوه زندگی یک انتخاب است. این شیوه زندگی جسارت می خواهد. این مربوط به آسیب پذیر کردن خود است - بخشش کت یا پیراهن تان از بسیاری جهات شما را در معرض دید قرار می دهد، و شما را به خاطر دیگران آسیب پذیر می کند. این شیوه زندگی آزادی را برای همه به ارمغان می آورد.

ما در اولین مطالعه خود از امروز می بینیم که یوسف سرانجام می تواند آن چیزهایی را که عیسی خواستار آن است - عشق به دشمنان، بخشش و رحمت - عملی کند. مطمئناً همه شما داستان یوسف را می دانید. او که پسر مورد علاقه یعقوب بود، مورد بدرفتاری برادران بزرگترش قرار گرفت. جوزف این طرفداری را در برادرانش به رخ می کشد که انتقام گرفتند و او را به بردگی فروختند. یوسف خود را در مصر می بیند، رویاهایی می بیند، قحطی را پیش بینی می کند، به پادشاه توصیه می کند و در نهایت در موقعیت بسیار خوبی قرار می گیرد. خانواده او قحطی پیش بینی شده را تجربه می کنند و در مقابل یوسف که نمی شناسند به زانو در می آیند. اگر چه به جای انتقام گرفتن از کسانی که با او بدرفتاری کرده اند، کمی زمان می برد و پس از اطمینان از اینکه ایمانش محفوظ است و پشیمان واقعی شده اند، آیا با لطف پاسخ می دهد، عفو می کند و هر چه در توان دارد برای کمک به همه آنها می دهد. فقط یک لحظه فکر کنید که اگر صاحبان قدرت این قانون طلایی، این عشق به دشمنان، این رحمت و بخشش را اجرا می کردند، چقدر دنیای ما متفاوت می شد: ما دشمنان خود را دوست داشتیم - جنگ ها متوقف می شوند و شاید هرگز شروع نمی شوند. کشورها به جای رقابت با یکدیگر، با یکدیگر همکاری خواهند کرد و در نتیجه منافع مشترک برای همه حاصل می شود. بدهی به - کشورهای در حال توسعه حذف می شود و آنها می توانند زندگی مردم خود را تامین کنند. برابری و عدالت وجود خواهد داشت. مردم در جهان در حال توسعه از گرسنگی یا بیماری قابل پیشگیری نمی میرند. مردم در ازای کار منصفانه روز حقوق دریافت می کنند. مردم سرپناه کافی خواهند داشت. مردم نیازی به دزدی از یکدیگر و قیام علیه یکدیگر ندارند. شکاف بین فقیر و غنی کاهش می یابد. شفقت وجود خواهد داشت. شادی وجود خواهد داشت. مردم دیگر نیازی به ترس نخواهند داشت، عشق باعث ترس ما می شود و ترس همان چیزی است که باعث رفتار بد می شود. صلح خواهد بود. شاید این بینش آرمان شهری باشد، اما رویت خداست. پس چرا ما می خواهیم در چنین رفتار اتوپیایی شرکت کنیم؟ پاسخ بسیار ساده است، خدا در عیسی ما را فرا می خواند تا از او پیروی کنیم تا شبیه آنها شویم. رحمت را پیشه کند زیرا خداوند مهربان بوده است. بخشش را تمرین کنیم زیرا خدا می بخشد. دوست داشتن چون خدا عشق است. این پیمانۀ محبتی که خدا به ما داده است، اندازه ای مسطح نیست، سخاوتمندانه است، پیاله اندازه گیری لبریز است و این گونه است که عیسی از پیروان خود می خواهد که عمل کنند. عیسی می گوید: وقتی ما به این روش عمل می کنیم، آنگاه آن را به همان اندازه دریافت خواهیم کرد. ما می دانیم که نه، وقتی با مردم بد رفتار می کنیم، به خودمان برمی گردد، این همان چیزی است که من می بینم که در دنیا رخ می دهد. ما فراخوانده شده ایم که آن را تغییر دهیم، به جای توزیع خشونت، منفعت شخصی، قدرت چه می شود اگر مهربانی، رحمت، سخاوت را در اختیار ما بگذاریم. بنابراین، بیایید شروع کنیم به جدی گرفتن عیسی، او را به قولش بپذیریم. از ما شروع می شود. بیایید نمونه ای برای بقیه جهان باشیم. این چیزهای کوچک هستند که با هم دنیا را تغییر خواهند داد. من روز گذشته در شبکه های اجتماعی با این موضوع برخورد کردم و حقیقتی در آن وجود دارد در زمان نفرت، عشق یک عمل مقاومت است. در زمان ترس ایمان عمل مقاومت است. نوشته شده توسط لورین برانتز (این همان چیزی است که عیسی به آن دعوت می کند، اینطور نیست؟)